

An Investigation into the History of the idea of “Qānitāt” in the Discourse of Qur’anic Exegeses

Nafiseh Moradi*, **Fateme Alaei Rahmani****
Seyyed Mohammad Hadi Gerami***, **Zahra Sarfi******

Abstract

Interpreters have generally interpreted the term "Qānit" in various Qur’anic verses as meaning obedience to God. However, when it comes to the obedience of women in verse 34 of Surat al-Nisā’ in the context of marital relationships, their understanding has inclined towards the woman obeying her husband. This interpretation, however, is not observed in verse five of Surat al-Taḥrīm, which also addresses marital relations. This research seeks to answer the question of how the history of the idea of "Qānitāt" in exegeses has evolved and what discursive transformations it has undergone. By examining the meaning of "q-a n-a t-a" in three contexts: pre-Qur’anic, Qur’anic, and exegetical, and uncovering the discourses surrounding the idea of "Qānitāt" in verses 34 of Surat al-Nisā’ and five of Surat al-Taḥrīm, the research concludes that the emergence of an independent and distinct discourse of "Women who obey their husbands," in addition to the discourse of "women who obey God" in verse 34 of Surat al-Nisā’, is due to the synonymous interpretation of the meaning of "Qānit" with "obedient." While "q-a n-a t-a" in pre-Quranic perception implies complete submission

* Ph.D. student in Qur’an and Hadith Sciences, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran, n.moradi@alzahra.ac.ir

** Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author), f.alae@alzahra.ac.ir

*** Assistant Professor of Quranic Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS), Tehran, Iran, m.h.gerami@ihcs.ac.ir

**** Assistant Professor of Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran, sarfi@alzahra.ac.ir

Date received: 01/10/2023, Date of acceptance: 20/12/2023



and utter surrender for a specific purpose, which is not expected of women towards men, its meaning has shifted to obedience in exegetical works, giving rise to the discourse of " Women who obey their husbands."

Keywords: verse 34 of Surat al-Nisā', verse five of Surat al-Taḥrīm, Qānitāt, Obedience of women to their husbands, Exegetical transformations, history of ideas.

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانتات» در سپهر گفتمان‌های تفسیری

نفسه مرادی*

فاطمه علایی‌رحمانی**، سید محمدهادی گرامی***، زهرا صرفی****

چکیده

مفسران مقصود از «قانت» در آیات مختلف قرآن را مطیع در برابر خدا بیان کرده‌اند؛ اما قانت‌بودن زنان در آیه ۳۴ سوره نساء با سیاق روابط میان زوجین، باعث شده تا فهم ایشان از انگاره «قانتات»، به سمت اطاعت زن از مرد سوق داده شود؛ درحالی‌که چنین فهمی در آیه پنج سوره تحریم که آن هم سیاقی مبتنی بر روابط زوجین دارد، رخ نداده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که «تاریخ‌نگاره «قانتات» در تفاسیر چگونه بوده و چه تحولات گفتمانی را پشت‌سر گذاشته است؟». با بررسی معنای «قانت» در سه بخش ادراکی پیشاقرآنی، قرآن و تفاسیر، و کشف گفتمان‌های ذیل انگاره «قانتات» در آیات ۳۴ سوره نساء و پنج تحریم، چنین نتیجه می‌شود که پیدایی گفتمان مستقل و منحصر به فرد «زنان فرمان‌بر همسر» علاوه بر گفتمان «زنان فرمان‌بر خداوند» در ذیل آیه ۳۴ سوره نساء به دلیل همسان‌نگاری معنای «قانت» با «مطیع» است. درحالی‌که «قانت» در ادراک پیشاقرآنی، معنای تحت‌انقیاد کامل درآمدن و تسلیم محض بودن با هدف رسیدن به مقصود خاصی را شامل می‌شود که یقیناً

* دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، n.moradi@alzahra.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، f.alaei@alzahra.ac.ir

*** استادیار مطالعات علوم قرآنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، m.h.gerami@ihcs.ac.ir

**** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، sarfi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹



چنین چیزی از زنان در برابر مردان انتظار نمی‌رود؛ اما چون در تفاسیر معنای آن به مطیع بودن تغییر یافته منجر به پیدایی گفتمان «زنان فرمان‌بر همسر» شده است.

کلیدواژه‌ها: آیه ۳۴ سوره نساء، آیه پنج سوره تحریم، قانتات، اطاعت زن از همسر، تحولات تفسیری، تاریخ انگاره.

۱. مقدمه و بیان مسئله

بررسی تاریخ انگاره‌های قرآنی مرتبط با زنان حاکی از پیدایی گفتمان‌هایی در ذیل آن‌هاست که این گفتمان‌ها تحولات تفسیری را به دنبال داشته‌اند. یکی از این انگاره‌های قرآنی که در دوران معاصر چالش برانگیز شده، «قانتات» در آیه ۳۴ سوره نساء می‌باشد. سایر مشتقات «ق ن ت» در قرآن، صرفاً برای خداوند به کار رفته‌اند و فقط در آیه ۳۴ سوره نساء است که بخشی از تفاسیر در شرح «قانتات»، قانت بودن زن در برابر مرد را لحاظ کرده و گفتمان مستقلی بر اساس قانتات به معنای مطیعات بنا بنهاده که اطاعت از مرد، هم‌ردیف یا نهایتاً در ذیل اطاعت از خداوند قرار می‌گیرد. امری که در مورد هیچ از یک مشتقات «ق ن ت» حتی در آیه پنج سوره تحریم که سیاقی مبتنی بر روابط زوجین دارد، صدق نمی‌کند. از این رو پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که «تاریخ انگاره «قانتات» در تفاسیر چگونه بوده و چه تحولات گفتمانی را پشت سر گذاشته است؟».

۲. پیشینه تحقیق

برخی پژوهشگران معتقدند که «مفسران مدرن و پیشامدرن از واژه «قانتات» استفاده کرده‌اند تا اشاره کنند پرهیزکاری زنان مستلزم اطاعت از همسرانشان است» (هدایت‌الله، ۱۴۰۰: ۱۴۹) و زن اجازه سرپیچی از همسر را ندارد و اگر چنین کند، از صالح بودن به ناشز بودن تغییر وضعیت می‌دهد. از نظر عزیزه هبری (Azizah Al-Hibri) فقها با این استدلال که اگر زن از شوهرش سرپیچی کند، خدا را به خشم آورده است، اطاعت از شوهر را در ذیل اطاعت از خداوند قرار داده‌اند. رویکردی که به شرک محدود می‌شود (Al-Hibri, 2003: 215). اسماء بارلاس (Asma Barlas) نیز با اشاره به ترجمه‌های ارائه شده از قانت، بیان می‌کند «این ترجمه‌ها بدون اینکه صریحاً گفته باشند، به اشتباه نشان می‌دهند که قرآن، اطاعت (قانت بودن) زنان از شوهرانشان را احتمالاً از روی احساس وظیفه یا قدردانی مقرر می‌دارد؛ زیرا مردان نان‌آور خانه

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانتات» در سپهر گفتمان‌های تفسیری (نفیسه مرادی و دیگران) ۱۴۳

خداوند هستند» (Barlas & Raeburn Finn, 2019: 59). وقاص محمد (Waqas Muhammad) هم معتقد است که اگر مقصود از قانت، اطاعت زن از شوهر بود، می‌بایست از واژه اطاعت با ریشه «ط و ع» استفاده می‌شد؛ چراکه این ریشه به‌طور معمول در قرآن «بدون معنای وظیفه‌آمیز/عابدانه به‌کار می‌رود» (Muhammad, 2010)، در حالی که قانت در قرآن دربرگیرنده معانی فوق می‌باشد که مختص خداوند است. آمنه ودود (Amina Wadud) هم بر این نکته اذعان دارد که قانت «اغلب به اشتباه به معنای «اطاعت» ترجمه شده و سپس به معنای «اطاعت از شوهر» در نظر گرفته می‌شود. در تمام متن قرآن، این کلمه در مورد مردان (البقره/۲۳۸، آل‌عمران/۱۷، الأحزاب/۳۵) و زنان (النساء/۳۴، الأحزاب/۳۵، التحريم/۵ و ۱۲) به‌کار رفته است که ویژگی یا صفت شخصیتی مؤمنان نسبت به خداوند را بیان می‌کند. آن‌ها تمایل دارند با یکدیگر همکاری کنند و در پیشگاه خداوند فرمان‌بردار باشند» (Wadud, 1999: 74).

گروه دیگری از پژوهشگران به نقد دیدگاه‌های مذکور پرداخته و در صدد رد آن‌ها برآمده‌اند. نویسندگان مقاله «تیین و ارزیابی آراء فمینیست‌های اسلامی پیرامون آیه ۳۴ سوره نساء؛ مطالعه موردی دیدگاه اسماء بارلاس» معتقدند که «بی‌ارتباط دانستن صفاتی که برای زنان در این آیه بیان شده نسبت به مردان خلاف سیاق است؛ به‌طوری‌که صفات صالحات، قانتات و حافظات از طریق صفت اول و با حرف عطف فاء به صدر آیه مرتبط است، بدین معنا که در پی قوامیت و مدیریت جعل شده برای مردان، و تفضیل و انفاقی که به زنان می‌کنند، زنان نیز وظایفی در قبال خانواده دارند» (هدایت‌زاده و پیروزفر، ۱۴۰۱: ۴۲۹-۴۳۰). در مقاله «بررسی نظام خانواده مبتنی بر نظریه استخلاف شهید صدر» جایگاه زن و مرد در قرآن کریم مثل یک مفهوم متضایف ذکر شده؛ به‌طوری‌که اگر مرد را «قیم» گفته، در مقابل زن را «قانت» دانسته و برای هرکدام وظایفی را در نظر گرفته است (رفیق و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۸). پژوهشگران مقاله «ارزیابی و نقد مدخل جنسیت از دائرةالمعارف قرآن لیدن» نیز اذعان می‌دارند که «قوامیت وظیفه مردان و قانت و حافظ بودن وظیفه خانم‌ها است» (فتاحی‌زاده، افسردیر، ۱۳۹۳: ۳۱). تمایز پژوهش حاضر با آثار علمی یادشده در این است که به‌دنبال ترسیم طرحواره تاریخی قانتات با رویکرد تاریخ‌نگاره‌ای است.

۳. روش پژوهش

این نوشتار با رویکرد تاریخ‌نگاره‌ای در دو بخش کار خود را پیش می‌برد. ابتدا معناکاوی قانتات در ادراک پیشاقرآنی، قرآن و تفاسیر را دنبال می‌کند. سپس درصدد کشف گفتمان‌های

ذیل قاننات است. بنابراین با تمرکز بر دو آیه ۳۴ سوره نساء و پنج سوره تحریم - که هر دو سیاقی مبتنی بر روابط زوجین دارند - دریافت‌های مختلف از انگاره «قاننات» در تفاسیر موجود از سده دوم تا پانزدهم را صورت‌بندی می‌شوند. برای انجام این مهم، از نرم‌افزارهای مکتبه اهل بیت (ع)، مکتبه‌الشامله و جامع‌التفاسیر از حدود ۲۰۰ تفسیر شیعه و سنی، دریافت‌های مختلف مفسران از قاننات جمع‌آوری شده و بر اساس تاریخ و محتوا دسته‌بندی می‌شوند. سپس با توجه به زمان، برای هر یک نموداری ترسیم می‌شود و بر اساس اشتراک موضوعی، گفتمان‌ها کشف و تاریخ‌گذاری می‌شوند.

۴. تعاریف

۱.۴ تاریخ‌انگاره

تاریخ‌انگاره در مطالعات اسلامی به‌مثابه یک رویکرد تلقی می‌شود. برای آشنایی با آن در وهله اول باید به این نکته توجه داشت که تاریخ‌انگاره در مطالعات اسلامی ایران با آنچه در جهان «تاریخ‌اندیشه» یا «تاریخ‌مفاهیم» نامیده می‌شود، یکسان نیست. بلکه مفهومی منقح شده از آن بر اساس نیاز تحقیقاتی داخلی است. بنابراین تعاریف مرسوم بزرگان جهانی از تاریخ‌اندیشه، برای آنچه که در ایران «تاریخ‌انگاره» نامیده می‌شود، کارآمد نبوده و تعریفی بومی شده از آن ارائه می‌شود. مقصود از «انگاره، دریافتی (اندیشه‌ای) است که فرد یا افرادی از یک موضوع خاص دارند» (گرامی، ۱۳۹۶: ۳۰). برای دست یافتن به شناخت جامعی از یک انگاره، باید مسیر تحول آن را در طول تاریخ دنبال کرد که منجر به شکل‌گیری رویکرد «تاریخ‌انگاره» ای می‌شود. «تاریخ‌انگاره‌ها یک زمینه مطالعاتی است که درگیر بحث از ظهور، بقاء و تغییر انگاره‌ها در گذر زمان، تحول کارکرد آن‌ها در دوره‌های مختلف یک فرهنگ یا تمدن و اسباب و علل چنین تحولی است.» (خانی‌مهروش، ۱۳۹۷: ۱۰). تاریخ‌انگاره در تلاش است تا طرح‌واره‌ای تاریخی از انگاره‌ها را پیش‌نهد و «نشان دهد که چگونه این طرح‌واره در امتداد بازسازی تاریخ اکنون و پاسخ به پرسش معاصران ما، می‌تواند حرکت کند» (گرامی، ۱۴۰۲: ۴۲). نهایتاً این که «تاریخ‌انگاره» زیرمجموعه «تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای» است و در ایران توسط پژوهشگران مطالعات اسلامی برای مباحث خاصی به کار برده می‌شود، «در حالی که «تاریخ‌اندیشه» چنین وضعیتی ندارد و اصطلاحی عمومی در فضای علوم انسانی به‌ویژه در حوزه تاریخ‌اندیشه سیاسی است.» (همان: ۶).

۲.۴ گفتمان

گفتمان به‌مثابه یک اصطلاح تخصصی برای اولین بار در زبان‌شناسی مطرح شده و پس از چندی از مسیر متفاوتی که «ریشه‌هایش به فلسفه زبان، پدیدارشناسی، هرمنوتیک، و فلسفه سیاسی - اجتماعی باز می‌گردد، از میشل فوکو نشأت می‌گیرد و سپس در آثار متفکران دیگر به اوج خود می‌رسد» (سلطانی، ۱۳۸۴، ۲۰). با این حال صاحب‌نظران هر دو حوزه - زبان‌شناسی و فلسفه سیاسی اجتماعی - تعاریف مختلفی برای گفتمان ارائه داده و به جمع‌بندی واحدی در تبیین مفهوم آن نرسیده‌اند. با این حال پژوهش حاضر مفهوم «گفتمان» را از فوکو وام گرفته و با توجه به نیاز خود بومی‌سازی می‌کند. فوکو سه کاربرد از مفهوم گفتمان ارائه می‌کند که همگی مبتنی بر «اتم گفتمان» بوده و عبارتند از: حوزه کلی همه گزاره‌ها یا گروهی از گزاره‌های قابل فردیت کردن و یا به عنوان یک رویه تنظیم شده که تعداد معینی از گزاره‌ها را در بر می‌گیرد (Foucault, 1969: 106). به‌طور کلی از نظر فوکو «گفتمان به عنوان گروهی از گزاره‌ها که به یک سیستم واحد از شکل‌گیری تعلق دارند» (همان، ۱۰۷) در نظر گرفته می‌شود. از این رو مقصود از گفتمان و گزاره در پژوهش حاضر بدین شرح است: اولین درک جدید و دریافت تازه از انگاره، به‌طوری که درک و دریافت مورد نظر، پیش از آن در تفاسیر ماقبل سابقه نداشته و از آن پس در سایر تفاسیر بازنشر شود، گزاره نام دارد. آن‌گاه گروهی از گزاره‌ها که وجه مشترک آن‌ها موضوع خاصی باشد، گفتمان را تشکیل می‌دهند.

۵. معنای لفظی انگاره «قائتات»

در رویکرد تاریخ‌نگاره‌ای هم معنای لغوی خود انگاره برای محقق مهم است و هم برداشتی که مفسر از آن داشته است تا در نهایت نشان داده شود، تصویرذهنی مفسر از انگاره با معنای لغوی آن چه نسبتی دارد. بنابراین معنای «ق ن ت» که ریشه انگاره «قائتات» است، در چهار بخش مورد کنکاش قرار می‌گیرد. اول بررسی می‌شود که پیش از نزول قرآن «ق ن ت» در زبان‌های سامی چه معنایی داشته است. دوم فهم عرب پیشاقرآن از آن چه بوده است. سوم در قرآن چه معنایی را در برگرفته است و چهارم مفسران قائتات را به چه چیزی معنا کرده‌اند.

۱.۵ ادراک پیشاقرآنی از «ق ن ت»

در بررسی تاریخ‌نگاره‌ای، معنای «ق ن ت» پیش از استعمال مشتقات آن در قرآن، در زبان عبری باستان، زبان‌های سامی و عربی کهن جستجو می‌شود.




۱.۱.۵ معنای «ق ن ت» در عبری باستان

زبان عبری جزو زبان‌های سامی است و با زبان عبری قرابت دارد، از این رو برای شناخت و درک بهتر انگاره‌های قرآنی، می‌توان معنای آنان را از زبان‌های سامی و به‌خصوص عبری باستان آغاز کرد؛ اما برای این کار توجه به چند نکته لازم است:

۱. معنی کلمات در زبان عبری باستان با حواس پنجگانه درک می‌شوند. «مانند درختی که می‌توان آن را دید، شیرینی که می‌توان چشید و صدایی که می‌توان شنید. مفاهیم انتزاعی مانند ستایش هیچ پایه و اساس خاصی ندارند و محصول فلسفه یونان باستان هستند» (Benner, 2005: 8). بنابراین در زبان عبری باستان مفاهیم انتزاعی مانند «ق ن ت» نیز با چیزهایی وصف می‌شوند که توسط حواس پنجگانه قابل درک باشند.

۲. در زبان عبری باستان هر حرفی دارای یک تصویر مشخص است که معنای خاصی را می‌رساند. برای فهم «ق ن ت» که معادل حروف «**ק נ ת**» در عبری معاصر است، ابتدا تصویر هر حرف آن به صورت مجزا، مشخص می‌شود، سپس ترکیب آن تصاویر، معنای اصلی کلمه مورد نظر را مشخص می‌کند.

گام اول: تصویر حروف «**ק נ ת**» در عبری باستان و معنی آن‌ها.

- تصویر حرف «**ק**» خورشید در افق  است. «این حرف می‌تواند به معنای متراکم شدن باشد؛ زیرا نور در زمانی که خورشید در افق است جمع می‌شود (همان: ۳۰).»
- تصویر حرف «**נ**» جوانه بذر  است. «این پیکتوگراف دارای معانی ادامه، تداوم، فرزندی یا وارث است» (همان: ۲۸).
- تصویر حرف «**ת**»  ضربدری است. «این حرف دارای معانی نشان، علامت یا امضا است» (همان: ۳۲).

گام دوم: ترکیب تصاویر و یافتن معنای «ק נ ת»

با توجه به توضیحات بالا حروف تصویری «ק נ ת» در زبان عبری باستان عبارت است از افق، جوانه‌های بذر و یک علامت (نشان). ترکیب معنای این سه تصویر، رساننده معنایی انتزاعی مبتنی بر یک عمل متراکم مداوم و خاص است. پس «ק נ ת» در زبان عبری باستان به معنای انجام همیشگی یک عمل خاص است.

۲.۱.۵ معنای «ق ن ت» در زبان‌های سامی

در فرهنگ لغت گزنیوس حروف «ק נ ת» در کنار یکدیگر واژه «קנת» را تشکیل می‌دهند. ریشه این کلمه در آشوری kanu به معنای Reed (نی)، در اتیوپی معادل goad (میله‌ای که برای واداشتن حیوان به انجام عملی به کار می‌رود) در عربی معادل «قناة» (میله نیزه، کانال و مجرای آب) بیان شده است. واژه «קנת» به صورت اسم مذکر معادل «stalk, reed» (ساقه، نی) و در حالت فعلی در عبری جدید، عبری کتاب مقدس، فینیقیه، آرامی و آشوری به معنای get, acquire (به‌دست آوردن) است. در صابئین علاوه بر آن معادل «possess» (تملک کردن) و در اتیوپی معادل «subjugate» به معنای مطیع کردن، تحت انقیاد در آوردن و تسلیم کردن نیز می‌باشد (Gesenius, 1907: 889). واژه «קנת» در حالت فعلی نیز به معنای به دست آوردن و تملک هر چیزی است و معنای مهار کردن آن چیز و تحت سیطره خود قرار دادن را به ذهن متبادر می‌کند.

وجه اشتراک تمام معانی مذکور در حالت اسمی و فعلی وجود مجرای توخالی است که سعی در به انقیاد در آوردن و تسلیم کردن چیزی را دارد تا از درونش عبور دهد. جاری شدن هوا در «نی» و آب در «قناة»، حاکی از تسلیم شدن آنان در برابر یک مجرا و هدایتشان به سمت هدف خاصی است.

۳.۱.۵ معنای «ق ن ت» در زبان عربی پیشاقرآنی

اسم فاعل قانت در زبان عربی واژه‌ای کهن است. زمانی که ابن عباس درباره معنای آیه «كُلُّ لَه قَانِتُونَ» (البقره/۱۱۶) گفت: «کل ما مقرنون» از وی سؤال شد آیا عرب آن را می‌شناسد؟ پاسخ داد: «بله. شنیدم عدی بن زید^۱ می‌گوید: قانتا لله یرجو عفوہ/ یوم لا یکفر عبد ما ادخر» (ابن عباس، ۱۴۱۳: ۹۰).

۲.۵ «ق ن ت» در قرآن

مشتقات «ق ن ت» در قرآن کریم ۱۳ بار استعمال شده است (روحانی، ۱۳۶۶: ج ۳/۱۱۳۳-۱۱۳۴) که دو مورد آن فعل «يَقْنُتُ» (الأحزاب/۳۱) و «اِقْتَبَى» (آل عمران/۴۳) و سایر موارد اسم فاعل «قَانِتٌ» است (شکل ۱).



شکل ۱

آیات ۱۱۶ بقره و ۲۶ روم، درباره قانت بودن آسمانها و زمین در برابر خداوند است که این قنوت را از نوع تکوینی دانسته‌اند. «قانت» به صورت جمع سالم عاقل (قانتون) در آیات مذکور،

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانتات» در سپهر گفتمان‌های تفسیری (نفیسه مرادی و دیگران) ۱۴۹

با رعایت مفهوم قنوت که دلالت بر شعور دارد، چنین می‌نماید که گویا آن‌ها درک دارند و متوجه عملی که انجام می‌دهند هستند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۳۵۹/۹). در آیات ۹ زمر، ۱۲۰ نحل، ۲۳۸ بقره، ۱۷ آل عمران، ۱۲ تحریم، ۳۱ و ۳۵ احزاب و ۴۳ آل عمران، صریحاً سخن از قانت بودن بندگان در برابر خداوند است.

اسم فاعل جمع مؤنث از ریشه قنت در سه آیه آمده است.

- در آیه ۳۵ سوره احزاب «قانتات» در کنار قانتون برای توصیف زنان و مردان مطیع خداوند آمده است.

- در آیه پنج سوره تحریم «قانتات» یکی از ویژگی‌های زنان شایسته همسری پیامبر (ص) بیان شده است.

- در آیه ۳۴ سوره نساء با تقسیم زنان به دو گروه صالح و ناشز، «قانتات» در توصیف «زنان صالح» به کار رفته است.

دریافت مفسران از انگاره قانتات در آیه ۳۵ سوره احزاب «اطاعت از خدا» است و در آن میان مفسران اختلافی نیست. در دو مورد بعدی چون سیاق آیات مبتنی بر روابط زوجین است، بعضاً فهم مفسران متفاوت از مورد اول است. بنابراین تمرکز پژوهش حاضر بر دو آیه اخیر خواهد بود.

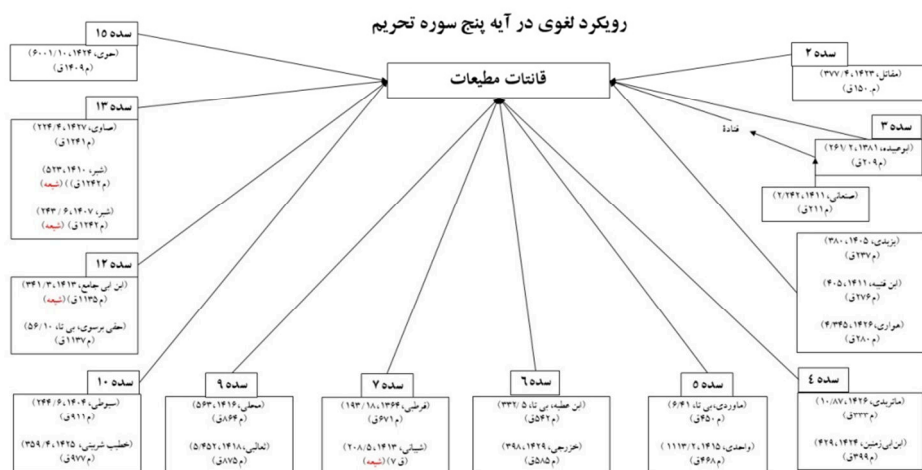
۳.۵ معنای «قانتات» در تفاسیر

مفسران با قانتات در دو آیه پنج سوره تحریم و ۳۴ سوره نساء به دو شکل برخورد کرده‌اند. برخی آن را شرح داده و برایش مصادیقی عنوان کرده‌اند و بخش دیگری به بیان معنای لغوی آن - قانتات یعنی مطیعات - اکتفا و از شرح بیشتر خودداری کرده و مشخص نکرده‌اند زنان باید مطیع چه کسی باشند: خدا یا همسر؟! یعنی تمام مفسران این گروه قانت بودن را با مطیع بودن یکسان در نظر گرفته‌اند.

۱.۳.۵ رویکرد لغوی مفسران در آیه پنج سوره تحریم

همان‌طور که در شکل (۲) ملاحظه می‌کنید این رویکرد درباره آیه پنج سوره تحریم از سده دوم تا پانزدهم در تفاسیر اهل سنت رواج دارد و مفسران شیعه صرفاً در سده هفتم (شیبانی،

۱۴۱۳: ج ۵/ ۲۰۸، سده دوازدهم (ابن ابی جامع، ۱۴۱۳: ج ۳/ ۳۴۱) و در سده سیزدهم (شبر، ۱۴۰۷: ج ۶/ ۲۴۳؛ همان، ۱۴۱۰: ۵۲۳) به بیان «قائتات مطیعات» اکتفا کرده‌اند.



شکل ۲

۲.۳.۵ رویکرد لغوی مفسران در آیه ۳۴ سوره نساء

بیان معنای قائتات در آیه ۳۴ سوره نساء از سده دوم تا ششم در تفاسیر اهل سنت رواج بسیاری داشته است. نقطه اوج آن در سده چهارم است که طبری پنج روایت از مجاهد، سدی، ابن عباس و قتاده در این باره نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ج ۵/ ۳۸). ابن منذر، ابن ابی حاتم، ماتریدی و نحاس نیز به وسیله روایاتی با سلسله سندهای مختلف که در شکل (۳) نشان داده شده است، قائتات را مطیعات معنا کرده‌اند.

۶. گفتمان‌های تفسیری انگاره «قانتات» در آیات پنج سوره تحریم و ۳۴

سوره نساء

آیه پنج سوره تحریم با هدف تشریح ویژگی‌های زنانی که شایسته همسری پیامبر (ص) هستند، می‌فرماید: «أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُمْ مُّسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ». آیه ۳۴ سوره نساء نیز در تبیین ویژگی‌های زنان صالح فرموده است: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ». دریافت‌های متفاوت مفسران از انگاره «قانتات» در آیات مزبور، منجر به پیدایش دو گفتمان در تفاسیر شده است: گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» و گفتمان «زنان فرمان‌بر همسر» که هر یک شرح داده می‌شود. اما برخی از مفسران به بیان معنای لغوی آن یعنی «مطیعات» بسنده کرده و شرح و توضیح بیشتری بیان نکرده‌اند.

۱.۶ گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا»

«زنان فرمان‌بر خدا» گفتمانی است که در ذیل انگاره قانتات در هر دو آیه قابل مشاهده است، با این تفاوت که این گفتمان در آیه پنج سوره تحریم بسیار تنومند و قدرتمند و بدون گفتمان رقیب در تفاسیر حضور دارد؛ اما در آیه ۳۴ سوره نساء چنین نمی‌باشد. در این گفتمان بیان می‌شود که مقصود از قانتات این است که زنان مطیع خداوند باشند و این اطاعت، مصادیق مختلفی دارد که در آیات مذکور به شکل متفاوتی استعمال شده‌اند.

۱.۱.۶ گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» در آیه پنج سوره تحریم

گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» ذیل انگاره «قانتات» شامل گزاره‌های «مطیعات لله» (طبری، ۱۴۱۲: ج ۱۰۶/۲۸؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹: ج ۷۵۳/۱۲)، «مطیعات لله تعالی و لرسوله صلی الله علیه و آله» (سمرقندی، ۱۴۱۶: ج ۴۶۹/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۵۶۷/۴) و «مطیعات لله تعالی و لأزواجهن» (دینوری، ۱۴۲۴: ج ۴۷/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴۷۵/۱۰) می‌باشد. با مصادیقی که مفسران برای قانتات بیان کرده‌اند، مانند «قائمات باللیل للصلاة» (فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۵۷۱/۳۰) و «مصلیات أو مواظبات علی الطاعات» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۲۲۵/۵) مشخص می‌شود کسی شایستگی همسری پیامبر (ص) را دارد که در اجرای اوامر الهی، مطیع خداوند باشد و اگر هم‌زمان اطاعت از رسول خدا (ص) را هم مطرح کرده‌اند، به این دلیل است که قرآن با عبارت «وَمَنْ يَفْتِنُ مِنْكُمْ لَلَّهِ وَرَسُولِهِ» (الأحزاب/۳۱) از همسران خواسته در برابر خدا و

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانتات» در سپهر گفتمان‌های تفسیری (نفیسه مرادی و دیگران) ۱۵۳

رسولش قانت باشند و این صرفاً عملی ویژه زنان حضرت است؛ زیرا در هیچ یک از آیات قرآن از مسلمانان خواسته نشده تا در برابر پیامبر (ص) قنوت داشته باشند، بلکه وجود عبارت «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (محمد/۳۳) در آیات بسیاری، حاکی از آن است که از عموم مسلمانان انتظار می‌رود در برابر خداوند و پیامبر (ص) مطیع باشند نه قانت. از سوی دیگر به این دلیل قانت بودن در برابر ایشان برای همسرانشان جایز است، چرا که به تأیید قرآن، ایشان «هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گویند. آنچه می‌گویند چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست» (نجم/۳-۴). پس تسلیم مطلق و محض ایشان بودن بلاشکال است. با این حال چنین چیزی از عموم مسلمانان خواسته نشده است. با توجه به نظرات مفسران در این مورد مذکور مشخص است که برای ایشان گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» در ذیل انگاره «قانتات» اصل است و اگر در برخی موارد اطاعت از پیامبر (ص) هم مطرح شده، به دلیل شأن پیامبری ایشان است، نه همسر بودن.

۲.۱.۶ گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» در آیه ۳۴ سوره نساء

گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» در آیه ۳۴ سوره نساء با سه دریافت از انگاره قانتات شکل گرفته است. فهم بخش کمی از مفسران اطاعت از خداوند است؛ دریافت اکثریت، اطاعت از خدا و همسر بوده و اطاعت از فرامین همسر هم‌ردیف اطاعت از فرامین الهی قرار داده شده است، فهم سوم مبتنی بر اطاعت از خداوند در راستای ادای حقوق همسر می‌باشد.

۱.۲.۱.۶ اطاعت از خدا

دریافت مشترک مفسران از تمامی مشتقات «قنت»، «اطاعت همیشگی از خداوند» است. همین فهم از انگاره قانتات در آیه ۳۴ سوره نساء نیز توسط مفسران اتفاق افتاده است. برای اولین بار در سده چهارم توسط ماتریدی در تفسیر تأویلات أهل السنه به عنوان احتمال مستقلى در ذیل انگاره «قانتات» مطرح شد (ماتریدی، ۱۴۲۶: ج ۳/۱۵۹). پس از وی فقط در سده هفتم در تفسیر رموزالکنوز (رسعنی، ۱۴۲۹: ج ۱/۴۹۵) و در سده هشتم در تفسیر لباب التاویل (خازن، ۱۴۱۵: ج ۱/۳۷۱) باز نشر شده است. در تفاسیر شیعه نیز تنها تفسیر القرآن الکریم (شبر، ۱۴۱۰: ۱۱۴) در سده سیزدهم و در سده چهاردهم تفسیر قرآن (صفی‌علی‌شاه، ۱۳۷۸: ۱۴۴) این دریافت از انگاره قانتات را مطرح کرده‌اند. چنین روندی نشان می‌دهد که «اطاعت صرف از خدا» در میان سایر دریافت‌های مفسران از انگاره قانتات، جایگاه برجسته‌ای ندارد.

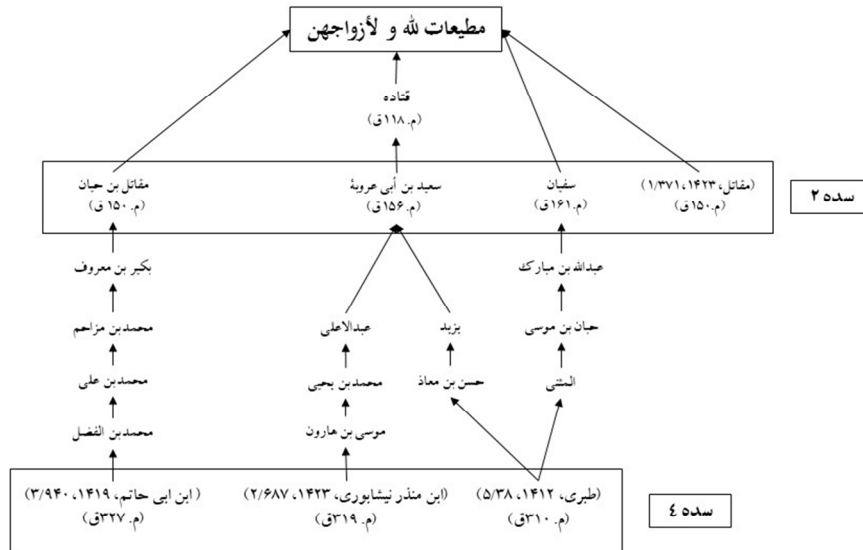
۲.۲.۱.۶ اطاعت از خدا و همسر

قدمت هم‌ردیفی اطاعت از خداوند و اطاعت از همسر به سده دوم و تفسیر مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ق) باز می‌گردد. مقاتل بدون استناد به روایتی در تبیین قاننات گفته است: «مطیعات لله و لأزواجهن» (مقاتل، ۱۴۲۳: ج ۳۷۱/۱). پس از او در سده سوم هواری (م. ۲۸۰ق) در تفسیر کتاب الله العزیز به نقل از دیگرانی که نامشان را ذکر نمی‌کند، همین عبارت را تکرار می‌کند (هواری، ۱۴۲۶: ج ۳۴۱/۱). در اواخر سده سوم، طبری (م. ۳۱۰ق) دو روایت تفسیری از قتاده و سفیان در جامع البیان آورده که مقصود از قاننات، «مطیعات لله و لأزواجهن» (طبری، ۱۴۱۲: ج ۳۸/۵) است. روایات از این قرارند:

- حدثني المثنى، قال: ثنا حبان بن موسى، قال: ثنا عبد الله بن المبارك، قال: سمعت سفیان، يقول: فالصالحات يعملن بالخير و قوله: قاننات یعنی: مطیعات لله و لأزواجهن.

- حدثنا الحسن بن معاذ، قال: ثنا يزيد، قال: ثنا سعيد، عن قتاده: قاننات أي مطیعات لله و لأزواجهن

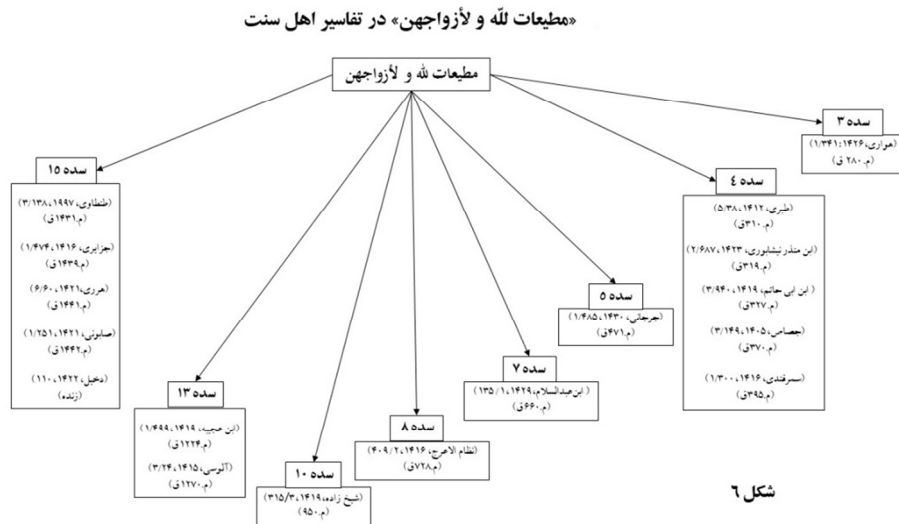
روایات مذکور در منابع حدیثی و تفاسیر پیشاطبری یافت نمی‌شود و با توجه به منابع در دسترس کنونی، به لحاظ تاریخی اولین ناقل آن‌ها طبری است. در ابتدای سده چهارم، ابن منذر دیدگاه تفسیری قتاده را از طریق دیگری چنین نقل می‌کند: «حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ هَارُونَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْأَعْلَى، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدٌ عَنْ قَتَادَةَ، قَالَ صَوَّالِحُ النِّسَاءِ قَانِنَاتُ، مَطِيعَاتٌ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَزْوَاجَهُنَّ، يَعْنِي فِي قَوْلِهِ: فَالصَّالِحَاتُ قَانِنَاتُ» (ابن منذر، ۱۴۲۳: ج ۶۸۷/۲). حلقه مشترک روایت ابن منذر و طبری، سعید بن ابی‌عروب (م. ۱۵۶ق) است که وی از قتاده (م. ۱۱۸ق) این عبارت را نقل کرده است. همان‌طور که در شکل (۵) نشان داده شده، با توجه به هم‌عصر بودن سعید، سفیان، مقاتل بن سلیمان و مقاتل بن حیان، می‌توان گفت «اطاعت از خدا و همسر» یک فهم سده دومی از انگاره «قاننات» است.



شکل ۵

برای مفسران اهل سنت، اقوال صحابه و تابعان تقدس دارد و «علاوه بر تعظیم و تقدیس صحابه، نگاهی تبعیدی به آراء ایشان نیز وجود دارد» (خضیری، بی‌تا: ۶۷۲) که دلیل آن دو چیز است: «یکی اینکه مفسران قرآن، به شنیده‌های صحابه از رسول خدا (ص) اعتماد کرده‌اند و دیگر اینکه فهم ایشان از قرآن را به دلیل ارتباطشان با پیامبر (ص) معتبر دانسته‌اند» (حسن، ۱۴۱۶: ج ۱/۴۰۹). هم‌چنین برای اهل سنت اقوال تابعان نیز تا حدودی مقدس است. برخی آیات مانند «وَالسَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» (توبه/۱۰۰) و برخی احادیث نبوی مانند «خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ» (بخاری، ۱۴۲۲: ج ۳/۱۷۱، ح ۲۶۵۲) در این تقدس‌نگاری مؤثر بوده‌اند؛ به‌طوری که قتاده مقصود از «وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ» در آیه ۱۰۰ سوره توبه را «تابعین» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۶/۱۸۶۹) دانسته و به باور او «آیه شریفه نوعی تأیید جمعی بر تابعین دارد و آنان را از هر گونه طعن، بری ساخته است» (پاکتچی، ۱۳۸۶: ج ۱۴/۵۶۳۵). دلیل دیگر برخوردار بودن تابعان از مکان و منزلت خاص این است که «ایشان قرآن و احادیث و علوم مربوط به آن‌ها را از صحابه فراگرفتند و به مسلمانان آموختند» (محمد، ۲۰۱۴: ۵۸۲). نتیجه این شد که اهل سنت پذیرفتند «هر کسی که از عقاید صحابه و تابعان و تفسیر آن‌ها به سمت چیزی مخالف آن عدول کند، خطا کرده بلکه بدعت‌گذار است؛ زیرا آن‌ها بر تفسیر و معانی آن داناتر بودند»

(سیوطی، ۱۳۹۴: ج ۲۰۷/۴). همین امر باعث شد تا دیدگاه‌های تفسیری ایشان، در تبیین انگاره «قانتات» در تفاسیر پساطبری بازنشر شود. شکل (۶) نشان می‌دهد که از سده سوم اطاعت از خدا و همسر در تفاسیر مطرح می‌شود و سده‌های چهارم و پانزدهم دوران پر تکرار آن است.



شکل ۶

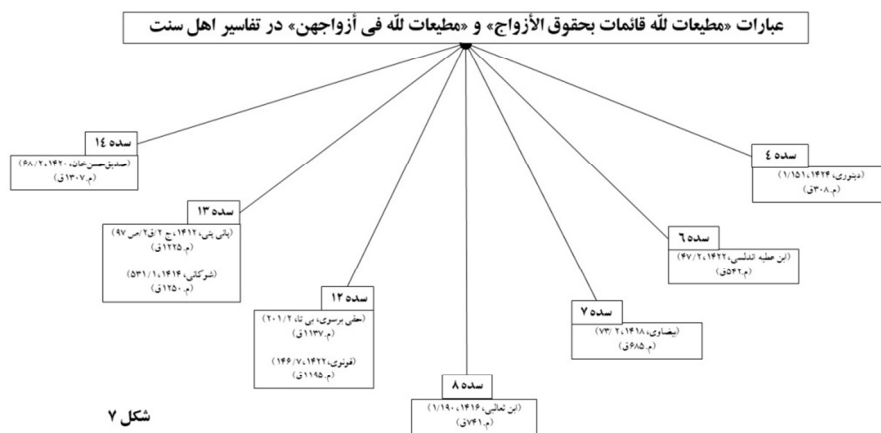
با آن که اقوال صحابه و تابعان جایگاه پیشین را برای شیعه ندارد؛ اما دیدگاه‌های تفسیری ایشان، «همواره در طی قرون مورد توجه مفسران (شیعه و سنی) بوده، و تا امروز از اهمیت آن کاسته نشده است» (پاکتچی، ۱۳۸۶: ج ۵۶۳۵/۱۴). از این رو اولین بار شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) در سده پنجم از طریق تفسیر التبیان، عبارت «مطیعات لله و لأزواجهن» (طوسی، بی‌تا: ج ۱۸۹/۳) را برای انگاره «قانتات» با استناد به سخن قتاده و سفیان وارد تفاسیر شیعه کرد. پس از وی طبرسی (م. ۵۴۸ق) در سده ششم در تفسیر مجمع البیان همان را از قول «قتاده و ثوری و عطاء» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶۹/۳) نشر داد. طوسی و طبرسی «مطیعات لله و لأزواجهن» را به اقوال تفسیری تابعان مستند کردند و مؤیدی از روایات معصومین (ع) برای آن ذکر نکردند. از این به بعد فهم اطاعت از خدا و همسر از انگاره «قانتات» در تفاسیر شیعه، هم‌چنان بدون استناد به روایتی از معصومین (ع) بازنشر شد. این در حالی است که قرن‌ها مورد توجه مفسران شیعه واقع نشد، تا این که در سده دوازدهم الوجیز (ابن ابی‌جامع، ۱۴۱۳: ج ۳۱۱/۱)، در سده چهاردهم مقتنیات الدرر (حائری‌طهرانی، ۱۳۳۸: ج ۹۶/۳) و تفسیر عاملی (عاملی، ۱۳۶۰: ج ۳۹۳/۲) آن را مجدداً مطرح کردند و در سده پانزدهم به تفاسیر من هدی القرآن (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۷۵/۲) و

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانتات» در سپهر گفتمان‌های تفسیری (نفیسه مرادی و دیگران) ۱۵۷

علیین (سیدکریمی حسینی، ۱۳۸۲: ۸۴) ختم شد. در مجموع این فهم از قانتات در تفاسیر شیعه چندان مورد استقبال واقع نشد.

۳.۲.۱.۶ اطاعت از خدا در راستای ادای حقوق همسر

فهم برخی مفسران از انگاره قانتات این است که زنان باید در امور مربوط به همسران خود، مطیع خداوند باشند و به ادای حقوق ایشان پردازند. چنین دیدگاهی اولین بار در اوایل سده چهارم و در تفسیر الواضح فی تفسیر القرآن الکریم با عبارت «مطیعات لله فی أزواجهن» (دینوری، ۱۴۲۴: ج ۱/۱۵۱) مطرح شد. از سده هفتم گروه دیگری از مفسران، همین فهم را با عبارت «قانتات مطیعات لله قائمات بحقوق الأزواج» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۲/۷۳) در تفاسیر دنبال کردند. همانگونه که شکل (۷) نشان می‌دهد باز نشر گزاره‌های مذکور، نهایتاً تا سده چهاردهم در تفاسیر اهل سنت ادامه یافت.



شکل ۷

دیدگاه اطاعت از خدا در راستای ادای حقوق همسر با دو عبارت مذکور از سده ششم در تفاسیر شیعه رواج پیدا کرد. اولین بار طبرسی در سده ششم و پیش از بیضاوی، در تفسیر جوامع الجامع از عبارت «مطیعات لله قائمات بما علیهن لأزواج» (طبرسی، بی تا: ج ۱/۲۵۳) برای تبیین قانتات استفاده کرد. سپس در سده دهم زبده التفسیر (کاشانی، ۱۴۲۳: ج ۲/۵۸)، در سده دوازدهم عقود المرجان (جزایری، ۱۳۸۸: ج ۱/۴۴۶) و کنزالدقائق (قمی مشهدی، ۱۳۶۸:

ج ۳/۳۹۷) آن را بازنشر کردند؛ اما عبارت «مطیعات لله فی أزواجهن» صرفاً در سده چهاردهم در تفسیر اثنی عشری (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ج ۲/۴۲۲) و در سده پانزدهم در تفاسیر الفرقان (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۷/۴۵) و من وحی القرآن (فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۷/۲۳۸) در تفاسیر شیعه استعمال شد.

در تمام دریافت‌های فوق از انگاره قانتات در آیه ۳۴ سوره نساء با عبارات «مطیعات لله»، «مطیعات لله و لأزواجهن»، «مطیعات لله فی أزواجهن» و «مطیعات لله قائمات بحقوق الأزواج» اطاعت از خداوند مشترک است که گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» را تشکیل داده است. با توجه به اینکه دیدگاه اطاعت صرف از خداوند با عبارت «مطیعات لله» مورد استقبال مفسران قرار نگرفت و از سوی دیگر در صورتی زن مطیع خداوند محسوب می‌شود که یا مطیع همسرش باشد یا در امور مربوط به وی از خداوند اطاعت کرده و در راستای ادای حقوقش تلاش کند، مشخص می‌شود که سمت و سوی اطاعت از خدا معطوف به حقوق همسر است. بنابراین می‌توان گفت که گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» با اطاعت از همسر ارتباط مستقیم دارد، حال چه هم‌ردیف با اطاعت از خدا باشد، چه در ذیل آن تعریف شود. برخلاف آیه پنج سوره تحریم، گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» در ذیل انگاره قانتات در آیه ۳۴ سوره نساء، بر محور اطاعت از همسر شکل گرفته است.

۲.۶ گفتمان «زنان فرمان‌بر همسر»

گفتمان دیگری که در ذیل انگاره «قانتات» می‌توان مشاهده کرد، گفتمان «زنان فرمان‌بر همسر» است که در ذیل آیه پنج سوره تحریم و آیه ۳۴ سوره نساء شکل گرفته است. در این گفتمان مقصود از قانتات، اطاعت از همسر بیان شده است؛ به طوری که گاهی همراه با اطاعت از خدا و گاهی بدون اشاره به اطاعت از خدا مطرح شده است.

۱.۲.۶ گفتمان «زنان فرمان‌بر همسر» در آیه پنج تحریم

فهم مفسران از انگاره «قانتات» در آیه پنج سوره تحریم مبتنی بر «اطاعت از همسر» در تفاسیر اهل سنت صرفاً در سده چهارم در تفسیر الواضح فی تفسیر القرآن الکریم (دینوری، ۱۴۲۴: ج ۲/۴۲۰) و در سده چهاردهم در تفسیر مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید (نووی، ۱۴۱۷: ج ۲/۵۴۲) با عبارت «مطیعات لله و لأزواجهن» بیان شده است. این فهم در تفاسیر شیعه کمی

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانتات» در سپهر گفتمان‌های تفسیری (نفیسه مرادی و دیگران) ۱۵۹

بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که اولین بار در سده ششم طبرسی از طریق تفسیر مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱/۴۷۵) آن را وارد تفاسیر شیعه کرد. هر چند که تا قرن‌ها مورد توجه مفسران قرار نگرفت تا اینکه در سده چهاردهم تفاسیر ارشاد ال‌اذهان الی تفسیر القرآن (سبزواری، ۱۴۱۹: ۵۶۵) و الجدید فی تفسیر القرآن المجید (همان، ۱۴۰۶: ج ۱۸۹/۷) و در سده پانزدهم تفاسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن (طیب، ۱۳۶۹: ج ۷۵/۱۳) و نمونه (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۴/۲۷۹) آن را ذیل انگاره قانتات مطرح کردند.

حاصل سخن آن‌که، فهم «اطاعت همسر» از انگاره قانتات در آیه پنج سوره تحریم در تفاسیر شیعه و سنی چندان مورد توجه قرار نگرفت و همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، ضمیمه‌شدن اطاعت از رسول (ص) به اطاعت از خدا، نه به دلیل همسر بودن، بلکه به دلیل نبی‌بودن ایشان بوده و در این‌جا صرفاً گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» به گفتمانی قدرتمند در تفاسیر تبدیل شده است.

۲.۲.۶ گفتمان «زنان فرمان‌بر همسر» در آیه ۳۴ سوره نساء

درک مفسران از انگاره قانتات در آیه ۳۴ سوره نساء، متمرکز بر اطاعت از همسر است و اگر در برخی موارد اطاعت از خدا را نیز مطرح کرده‌اند یا برای این بوده که اطاعت از همسر را هم‌ردیف اطاعت از خدا نشان دهند و یا این‌که مطیع بودن زن در برابر خداوند را منوط به رعایت حقوق همسر کنند. فهم‌های مختلف از انگاره قانتات عبارتند از «مطیع خدا بودن در گرو چگونگی روابط با همسر»، «اطاعت از همسر»، «قیام زنان برای ادای حقوق همسر» است که فصل مشترک تمام آن‌ها پدیدآورنده گفتمان «زنان فرمان‌بر همسر» است.

۱.۲.۲.۶ مطیع خدا بودن در گرو چگونگی روابط با همسر

در بخش گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا»، دو فهم «اطاعت از خدا و همسر» و «اطاعت از خدا در راستای ادای حقوق همسر» از انگاره قانتات کامل توضیح داده شد. در این قسمت شواهد و قرائنی از تفاسیر ارائه می‌شود که نشان می‌دهد تأکید مفسران بر اطاعت از همسر و قیام زنان در ادای حقوق ایشان بیش از تأکید بر اطاعت خداوند است.

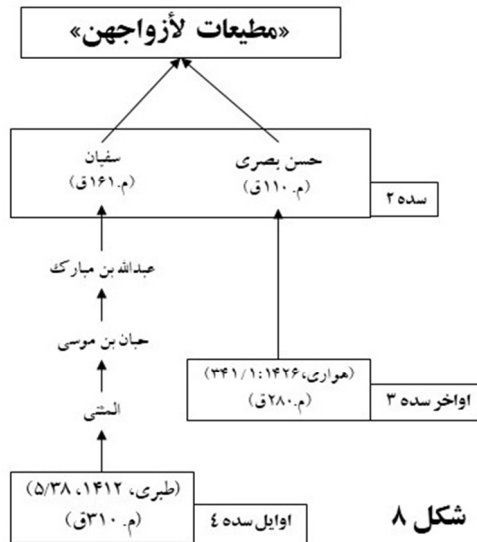
مفسران در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء بیان کرده‌اند که زن صالح زنی است که از همسرش اطاعت کند و زن ناشز زنی است که مطیع همسرش نباشد (ثعالبی، ۱۴۱۸: ج ۲/۲۲۹)؛

صابونی، ۱۴۲۱: ج ۱/۲۵۱)، از سازگاری با وی سر باز زند (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۳/۲۴) و با او مخالفت کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳/۶۹) و در مقام موعظه زن ناشز، شوهرش باید به وی بگوید: «تقوای خداوند را پیشه کن؛ زیرا حق شوهر بر تو واجب است» (سمرقندی، ۱۴۱۶: ج ۱/۳۰۰) و این بدین معنی است که صالح و ناشز بودن زن در گرو چگونگی روابط او با همسرش است، نه رابطه مستقیم وی با خداوند. بنابراین زمانی زن، بنده صالح خدا محسوب می‌شود که مطیع همسرش باشد و با وی مخالفت نکند و متقی بودن او نیز ارتباط مستقیمی با چگونگی روابط وی با همسرش دارد. در این راستا مفسران به احادیثی استناد کرده‌اند که بر اطاعت از همسر تأکید دارند. مانند «قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: خير النساء التي إذا نظرت إليها سرتك و إذا أمرتها أطاعتك» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ۹۴۱/۳؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ۲۲۹/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۳/۲۴) یا حدیث «قال صلى الله عليه و سلم لعمر رضى الله عنه: ألا أخبرك بخير ما يكتنزه المرء؟ المرأة الصالحة إذا نظر إليها سرتة و إذا أمرها أطاعته و إذا غاب عنها حفظته» (دره، ۱۴۳۰: ج ۲/۴۴۲). از این رو مشخص می‌شود که برای مفسران موضوع اطاعت از همسر اصل است؛ به طوری که اگر آن انجام شد، اطاعت از خداوند نیز محقق شده است.

۲.۲.۲.۶ اطاعت از همسر

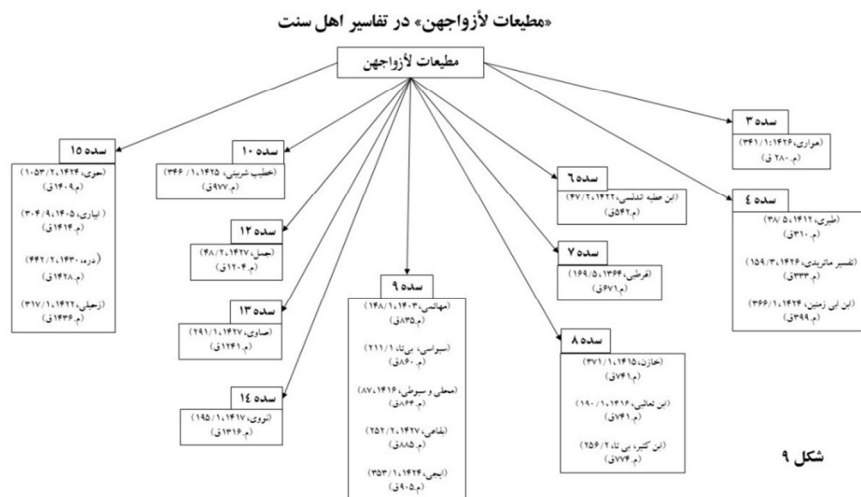
فهم دوم از انگاره قانتات در آیه ۳۴ نساء، مبتنی بر اطاعت زن از همسر است. چنین فهمی اولین بار در سده سوم توسط هواری به نقل از تفسیر حسن (بصری) (م. ۱۱۰ق) با عبارت «مطیعات لأزواجهن» (هواری، ۱۴۲۶: ج ۱/۳۴۱) مطرح شد. پس از او طبری فهم مذکور را به سخنی از سفیان مستند کرد: «حدثني المثنى، قال: ثنا حبان بن موسى، قال: أخبرنا ابن المبارك، قال: سمعت سفیان يقول في قوله: قانتات قال: مطیعات لأزواجهن» (طبری، ۱۴۱۲: ج ۳۸/۵). این روایت در جوامع حدیثی و در تفاسیر پیشاطبری موجود نیست و طبری اولین فردی است که «مطیعات لأزواجهن» را در ذیل انگاره مورد بحث به روایتی از سفیان ثوری (م. ۱۶۱ق) مستند می‌کند. ذکر اقوال تفسیری تابعان - حسن و سفیان - حاکی از آن است که چنین فهمی از انگاره «قانتات» از سده دوم آغاز شده است (شکل ۸).

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانتات» در سپهر گفتمان‌های تفسیری (نفیسه مرادی و دیگران) ۱۶۱



شکل ۸

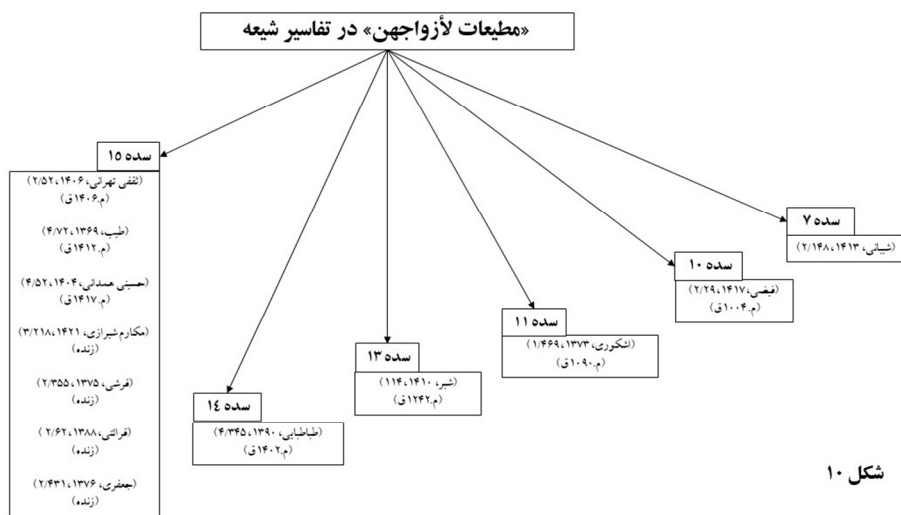
بازنشر فهم مذکور در تفاسیر نیمه دوم سده سوم - به‌خصوص تفسیر طبری - منجر به تحکیم و گسترش آن در تفاسیر سده‌های آتی اهل سنت شده است و همان‌طور که شکل (۹) نشان می‌دهد این فهم با عبارت «مطیعات لأزواجهن» در سده‌های چهارم، هشتم، نهم و پانزدهم بیشتر از سده‌های دیگر در تفاسیر مورد توجه بوده است.



شکل ۹

از سده هفتم شیبانی^۲ در تفسیر نهج‌البیان، عبارت «مطیعات لأزواجهن» را ذیل‌انگاره «قانتات» وارد تفاسیر شیعه کرد (شیبانی، ۱۴۱۳: ج ۱۴۸/۲). سپس در سده دهم توسط

سواطع الإلهام (فیضی، ۱۴۱۷: ج ۲۹/۲) بازنشر شد و از آن پس به حضور کم‌رنگ خود در تفاسیر ادامه داد، تا این‌که در اواخر سده چهاردهم بازنشر آن در تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳۴۵/۴) باعث استقبال زیاد مفسران شیعه در سده پانزدهم شد. (شکل ۱۰).



شکل ۱۰

۳.۲.۲.۶ قیام زنان برای ادای حقوق همسر

فهم سوم از انگاره «قانتات» در آیه ۳۴ سوره نساء این است که زنان در راستای به‌جا آوردن حقوق واجب همسر باید قیام کنند که با عبارت «قانتات بما علیهنّ للأزواج» بیان شده است. این فهم، متفاوت با «اطاعت از خدا در راستای ادای حقوق همسر» است که در بخش گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» بیان شد؛ زیرا در آن‌جا اقامه حقوق همسر در کنار اطاعت از خدا مطرح شد؛ اما در این‌جا بدون اشاره به اطاعت از خدا مطرح شده است. اولین بار در سده چهارم زجاج (زجاج، ۱۴۰۸: ج ۴۷/۲) و ماتریدی (ماتریدی، ۱۴۲۶: ج ۱۵۹/۳) این دیدگاه را مطرح کردند، سپس توسط تفاسیر کشاف (قرن ۶) (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۵۰۶/۱)، تفسیر نسفی (قرن ۸) (نسفی، ۱۴۱۶: ج ۳۲۸/۱) و الأساس (قرن ۱۵) (حوی، ۱۴۲۴: ج ۱۰۵۳/۲) به ترتیب توسط زمخشری، نسفی و حوی بازنشر شد. تنها مفسر شیعه که «قانتات بما علیهنّ للأزواج» را مطرح کرده، فاضل‌مقداد (فاضل‌مقداد، ۱۳۷۳: ج ۲۱۱/۲) در سده نهم است.

نتیجه این‌که موضوع مشترک سه فهم شرح داده شده، بر اطاعت از همسر و پرداختن به حقوق وی استوار است که شکل‌گیری گفتمان «زنان فرمان‌بر همسر» را به‌دنبال داشته است.

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانتات» در سپهر گفتمان‌های تفسیری (نفیسه مرادی و دیگران) ۱۶۳

تکرار زیاد عبارات «مطیعات لله فی أزواجهن»، «مطیعات لله و لأزواجهن»، «مطیعات لأزواجهن» و «قائمات بما علیهنّ للأزواج» به همراه قرائن دیگری که پیش‌تر بیان شد، حاکی از آن است که این گفتمان در ذیل آیه ۳۴ سوره نساء، تنومندتر از گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» است. برخلاف آیه پنج سوره تحریم که گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» بسیار مورد توجه مفسران قرار گرفته است.

۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که «تاریخ‌نگاره قانتات در تفاسیر چگونه بوده و چه تحولات گفتمانی را پشت‌سر گذاشته است؟» با بررسی معنای «ق ن ت» مشخص شد ریشه معنایی آن در زبان‌های کهن، به‌طور کامل تحت انقیاد در آمدن با هدف هدایت به مقصد خاصی را در برمی‌گیرد. مانند هوایی که کامل در نی جاری می‌شود تا صدای خاصی را تولید کند، یا تمام آبی که در قنات جاری می‌شود تا به مقصد خاصی برسد. در قرآن مشتقات «ق ن ت» در ۱۲ مورد از ۱۳ مورد به‌طور حتم برای خداوند به‌کار رفته است. یعنی انسان‌ها و سایر مخلوقات باید کاملاً تحت انقیاد خداوند قرار بگیرند تا به مقصودی که خداوند برایشان در نظر گرفته هدایت شوند. مواجهه مفسران با قانتات دوگونه بوده است: برخی با اتخاذ رویکرد معنایی قانت بودن را معادل مطیع بودن در نظر گرفته‌اند و برخی دیگر به شرح آن پرداخته‌اند که منجر به پیدایی گفتمان‌هایی شده است. در آیه پنج سوره تحریم، تنها گفتمان غالب و مورد توافق اکثریت مفسران گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» است که در آن اطاعت از خدا، به اطاعت از همسر زده نشده است؛ اما در آیه ۳۴ سوره نساء گفتمان «زنان فرمان‌بر خدا» با محوریت اطاعت از همسر و تلاش برای به‌جا آوردن حقوق وی شکل گرفته، به‌گونه‌ای که صالح و متقی بودن زنان در گرو چگونگی روابط ایشان با همسرانشان است. از سوی دیگر گفتمان «زنان فرمان‌بر همسر» نیز در ذیل همین آیه به‌طور مستقل ایجاد شده که مقصود از انگاره قانتات را فقط اطاعت از همسر و ادای حقوق وی از سوی زنان می‌داند. حاصل سخن این که گفتمان اخیر، فهم منحصر به فردی از انگاره قانتات در آیه ۳۴ سوره نساء است که با سایر کاربردهای آن در آیات دیگر قرآن قابل تطبیق نیست. از سوی دیگر اگر با ریشه معنایی «ق ن ت» هم مقایسه شود، مشخص می‌شود که قانت بودن زن در برابر مرد، به‌معنای این است که زن کاملاً تحت انقیاد مرد دربیاید تا به سوی هدفی که مرد دارد، هدایت شود، در حالی که مفسران چنین مقصودی را در نظر ندارند. بلکه یکسان‌انگاری قانتات با مطیعات باعث شده، فهم

آنان از انگاره قانتات در آیه مورد نظر به سمت اطاعت زن از مرد سوق پیدا کند، نه این که زن به طور محض تحت سیطره مرد قرار بگیرد. از این رو لازم است تا در پژوهش دیگری «اطاعت در قرآن» مورد بررسی قرار گیرد تا فهم بهتری از انگاره «قانتات» در آیه ۳۴ سوره نساء به دست آید.

پی‌نوشت‌ها

۱. عدی بن زید العبادی التمیمی (متوفی ۳۵ هـ. ق / ۵۸۷ م) شاعر مسیحی اهل الحیره بود که در قرن ششم پس از میلاد می‌زیست. او یکی از زیرک‌ترین مردان عصر جاهلیت بود که به زبان‌های عربی و فارسی تسلط داشت.

۲. برخی شیبانان صاحب تفسیر نهج البیان را استاد شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق) دانسته‌اند که افندی در «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء» (افندی، بی تا: ج ۱۵۵/۷) و آقابزرگ تهرانی در کتاب «الذریعة إلی تصانیف الشیعة» (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۴۱۵/۲۴) این موضوع را به دو دلیل رد کرده‌اند. اول این که شیبانان از شیخ مفید منقولاتی را ذکر کرده، پس متأخر از او بوده است. دوم این که با توجه به مقدمه تفسیر، مؤلف تفسیرش را به کتابخانه المستنصر بالله - خلیفه عباسی - که در سال‌های ۶۲۰ تا ۶۴۰ هـ. ق حکومت می‌کرده، اهداء کرده (شیبانان، ۱۴۱۳: ج ۴۱/۱) و این نشان می‌دهد که نهج البیان در سده هفتم نگاشته شده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. گردآورندگان: سناء بزیع شمس‌الدین و ابراهیم شمس‌الدین. محقق: علی عبدالباری عطیه. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه. منشورات محمد علی بیضون.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. محقق: اسعد محمد طیب. چاپ سوم. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن ابی جامع، علی بن حسین. (۱۴۱۳ق). الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (عاملی). محقق: مالک محمودی. چاپ اول. قم: دار القرآن.

ابن عباس، عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب. (۱۴۱۳ق) غریب القرآن فی شعر العرب «مسائل نافع بن الأزرق لعبد الله بن عباس». محقق: محمد عبدالرحیم و احمد نصرالله. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة.

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانات» در سپهر گفتمان‌های تفسیری (نفسه مرادی و دیگران) ۱۶۵

ابن منذر، أبو بكر محمد بن إبراهيم بن المنذر النيسابوري. (۱۴۲۳ق) تفسیر القرآن. قدم له الأستاذ الدكتور عبدالله بن عبد المحسن التركي. حققه وعلق عليه الدكتور: سعد بن محمد السعد. الطبعة الأولى. المدينة النبوية: دار المآثر.

ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. الطبعة الأولى. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
امین، نصرت بیگم. (۱۳۶۲ش). مخزن العرفان در علوم قرآن، چاپ اول. بی‌جا: بی‌نا.
بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری. المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. الطبعة الأولى. بیروت: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقیم محمد فؤاد عبد الباقي).
بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر بیضاوی). اعداد: محمد عبدالرحمن مرعشلی. الطبعة الأولى. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
پاکتچی، احمد. (۱۳۸۶ش). «تابعین». دانشنامه بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی. ۵۶۳۵

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق). تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن. محقق: عادل احمد عبدالوجود و عبدالفتاح ابوسنه و علی محمد معوض. الطبعة الأولى. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم. (۱۳۶۲ش). تفسیر شاهي او آیات الأحكام. چاپ اول. تهران: نوید.
جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله. (۱۳۸۸ش). عقود المرجان فی تفسیر القرآن. محقق: موسسه فرهنگی ضحی. چاپ اول. قم: نور وحی.

حائری طهرانی، علی. (۱۳۳۸ش). مقتنیات الدرر. الطبعة الأولى. تهران: دار الکتب الإسلامية.
حسن، حسن ابراهیم. (۱۴۱۶ق). تاریخ الإسلام السیاسی و الدینی و الثقافی و الإجتماعی. الجزء الأول الدولة العربية فی الشرق و مصر و المغرب و الأندلس (۱-۱۳۲ هـ / ۶۲۲-۷۴۹ م). الطبعة الرابعة عشرة. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.

حوی، سعید. (۱۴۲۴ق). الاساس فی التفسیر. الطبعة السادسة. قاهره، دار السلام.
خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل. مصحح: عبدالسلام محمد علی شاهین. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
خانی، حامد (فرهنگ مهروش). (۱۳۹۷ش). «مقدمه». حامد خانی (فرهنگ مهروش). قرآن پژوهی و تاریخ‌نگاره‌ها. تهران: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی (با همکاری پژوهشکده قرآن و عترت).

خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۸۴ش). تفسیر نور. چاپ چهارم. تهران: احسان.
خضیری، محمد بن عبدالله بن علی. (بی‌تا). تفسیر التایعین عرض و دراسة مقارنة. ریاض: دار الوطن للنشر.

- دره، محمد علی طه. (١٤٣٠ق). تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه. الطبعة الاولى. بیروت: دار ابن کثیر.
- دینوری، عبدالله بن محمد. (١٤٢٤ق). تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله. (١٤٢٩ق). رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز. محقق: عبدالملک بن دهیش. الطبعة الأولى. مکه مکرمه: مکتبة الأسدی.
- رفیق، محمد حکیم، سیدمنذر. خیری، حسن. حسامی، فاضل. (١٤٠٠ش). «بررسی نظام خانواده مبتنی بر نظریه استخلاف شهید صدر». اسلام و مطالعات اجتماعی. سال ٩. شماره ٣. پیاپی ٣٥-١٧٥-٢٠٥.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (١٣٨٧ق). تفسیر قرآن مهر. چاپ اول. قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
- روحانی، محمود. (١٣٦٦ش). المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم. الطبعة الأولى: مشهد: الآستانة الرضویة المقدسة.
- زبیدی، ماجد ناصر. (١٤٢٨ق). التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت. الطبعة الأولى: بیروت: دار المحجة البيضاء.
- زجاج، ابراهیم بن السری بن سهل. (١٤٠٨ق). معانی القرآن و اعرابه. محقق: عبدالجلیل عبده شلبی. الطبعة الاولى. بیروت: عالم الكتاب.
- زمخشری، محمود بن عمر. (١٤٠٧ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. الطبعة الثالثة. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سبزواری، محمد. (١٤١٩ق). ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن. الطبعة الأولى. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سبزواری، محمد. (١٤٠٦ق). الجدید فی تفسیر القرآن المجید. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سلطانی، علی اصغر. (١٣٨٤ش). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (١٤١٦ق). تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم. محقق: عمر عمروی. الطبعة الاولى. بیروت: دارالفکر.
- سیدکریمی حسینی، عباس. (١٣٨٢ش). تفسیر علیین. چاپ اول. قم: اسوه.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (٢٠٠٧م). الاکلیل فی استنباط التنزیل. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- شاه عبدالعظیمی، حسین. (١٣٦٣ش). تفسیر اثنی عشری. چاپ اول. تهران: میقات.
- شبر، عبدالله. (١٤١٠ق). تفسیر القرآن الکریم (شبر). الطبعة الثانية. قم: موسسه دار الهجرة.
- شبر، عبدالله. (١٤٠٧ق). الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین. مقدمه نویسن: محمد بحر العلوم. الطبعة الأولى. کویت: شركة مکتبة الالفین.

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قائتات» در سپهر گفت‌مان‌های تفسیری (نفسه مرادی و دیگران) ۱۶۷

شیبانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق). نهج البيان عن كشف معاني القرآن. محقق: حسین درگاهی. الطبعة الأولى. قم: الهادی.

صابونی، محمد علی. (۱۴۲۱ق). صفوة التفاسیر. الطبعة الأولى. بیروت: دار الفکر.

صاحب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. محقق و مصحح: محمد حسن آل یاسین. الطبعة الأولى. بیروت: عالم الکتب.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة. الطبعة الثانية. قم: فرهنگ اسلامی. صفی علی شاه، محمد حسن بن محمد باقر. (۱۳۷۸ش). تفسیر قرآن صفی علی شاه. چاپ اول. تهران: منوچهری.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. الطبعة الثانية. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی. الطبعة الثالثة. تهران: ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). تفسیر جوامع الجامع. مصحح: ابوالقاسم گرجی. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. مصحح: احمد حبیب عاملی، مقدمه نویسن: آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. تهران: اسلام.

عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰ش). تفسیر عاملی. مصحح: علی اکبر غفاری. چاپ اول. تهران: کتابفروشی صدوق.

عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة. الطبعة الأولى. بیروت: دار الافاق الجديدة.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۳۷۳ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. مصحح: محمدباقر شریفزاده و محمدباقر بهبودی. الطبعة الأولى. تهران: مرتضوی.

فتاحی زاده، فتحیه. افسردیر، حسین. «ارزیابی و نقد مدخل جنسیت از داتة المعارف قرآن لیدن». مطالعات زن و خانواده. ۱۳۹۳/۲. شماره ۲. ۷-۳۸.

فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). الطبعة الثالثة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین، الطبعة الثانية. قم: هجرت.

فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. الطبعة الأولى. لبنان: دارالملاک.

فیضی، ابوالفیض بن مبارک. (۱۴۱۷ق). سواطع الإلهام فی تفسیر کلام الملک العالم. الطبعة الأولى. قم: دار المنار.

- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ق). تفسیر القمی. محقق: طیب موسوی جزایری. الطبعة الثالثة. قم: دارالکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. محقق: حسین درگاهی. الطبعة الأولى. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله. (۱۴۲۳ق). زبده التفاسیر. الطبعة الأولى. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- گرامی، سید محمدهادی. (۱۳۹۶ش). مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای: جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی، مقدمه‌نویس: احمد پاکتچی. چاپ اول. تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی.
- گرامی، سید محمدهادی، (۱۴۰۲ش). قرآن، هرمنوتیک و باطن در تشیع نخستین. در حال چاپ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶ق). تأویلات أهل السنة. محقق: مجدی باسلوم. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- محمد، محمد صلاح. (۲۰۱۴م). «التابعون وأثرهم فی ازدهار مدرسة الحديث والمحدثين»، البیان دراسات قنا. العدد ۱. المجلد ۱۴. ۵۹۱-۵۲۸. <https://dx.doi.org/10.21608/byn.2014.12417>
- مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. الطبعة الأولى. تهران: دار محبی الحسین.
- مکارم‌شیرازی، ناصر. جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. چاپ دهم. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مکی بن حموش. (۱۴۲۹ق). الهدایة إلى بلوغ النهایة. الطبعة الأولى. امارت/شارجه: جامعة الشارقة، کلیة الدراسات العليا و البحث العلمی.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. الطبعة الثالثة. تهران: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. محقق: عبدالله محمود شحاته. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نسفی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل. الطبعة الأولى. بیروت: دار الفنائس.
- نووی، محمد. (۱۴۱۷ق). مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید. مصحح: محمد امین ضناوی. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- هدایت‌الله، عایشه. (۱۴۰۰ش). حاشیه‌های فمینیستی قرآن. ترجمه: مرضیه محمص و نفیسه دانش‌فرد. تهران: کرگدن.
- هدایت‌زاده، محمدصادق. پیروزفر، سهیلا. (۱۴۰۱ش). «تیین و ارزیابی آراء فمینیست‌های اسلامی پیرامون آیه ۳۴ سوره نساء: مطالعه موردی دیدگاه اسماء بارلاس». مطالعات اسلامی در جهان معاصر، انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی. سال اول/ شماره دوم. پیاپی ۲. ۴۱۵ - ۴۳۰.

بررسی تاریخ‌نگاره‌ای «قانتات» در سپهر گفت‌مان‌های تفسیری (نفسه مرادی و دیگران) ۱۶۹

هواری، هود بن محکم. (۴۲۶ق). تفسیر کتاب الله العزیز. الطبعة الأولى. بی‌جا: دار البصائر.

Al-Hibri, Azizah Y. (2003). "An Islamic Perspective on Domestic Violence". Fordham International Law Journal. Volume 27. Issue 1. Article 8. 195-224.

Barlas, Asma & Raeburn Finn, David. (2019). Believing Islam: A Brief Introduction. First edition. Austin: University of Texas Press. Identifiers: LCCN 2018023751 ISBN 978-1-4773-1588-0 (pbk. : alk. paper).

Benner, Jeff A. (2005). The Ancient Hebrew Lexicon of the Bible. Virtualbookworm.com Publishing Inc., P.O. Box 9949, College Station. Printed in the United States of America.

Gesenius, William. (1907). Hebrew And English Lexicon of The Old Testament. Translator: Edward Robinson, Boston and New York: Houghton Mifflin Company

Muhammad, Waqas. (2010) "Wife Beating in Islam? The Qur'an Strikes Back!" Self-published. Amazon Digital Services: Kindle and <http://www.quran434.com/wife-beating-islam.html>

Wadud, Amina. (1999). Qur'an and Woman: Rereading the Sacred Text from a Woman's Perspective., New York: Oxford, Oxford University Press.

Foucault, Michel. (1969). L'archéologie du savoir. Gallimard.